

بررسی نسبت بین نظام بانکی ایران با نظام مالی بدون بهره

مقدمه

اقتصاد ایران در گام دوم چهل ساله خود نیازمند تحول ساختاری به منظور بهبود بستر اجرای سیاست‌های اقتصادی (سیاست‌های پولی، ارزی، مالی و رفتاری) است. مراد از تحول ساختاری، تحول در نظام یا سازماندهی اقتصادی مشتمل بر تغییر در سازمان‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی و ابزارهای سیاستی است. مهم‌ترین محورهای این تحول شامل تحول در ساختار نظام سیاستگذاری اقتصادی، ساختار نظام شفافیت اقتصادی، ساختار نظام مالی (بانک و بازار سرمایه)، ساختار نظام مالیاتی - حمایتی و ساختار نظام بودجه‌ریزی می‌باشد. تحول ساختاری، هویتی میان مدت و بلندمدت دارد و در افق چهل ساله در قالب ۸ برنامه توسعه (برنامه هفتم تا سیزدهم) تا سال ۱۴۴۳ مطرح می‌شود. پژوهشکده امور اقتصادی قصد دارد تا در قالب همایش ملی «اقتصاد ایران با رویکرد اصلاحات ساختاری در گام دوم»، این پنج محور را مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور، پیش نشست‌های علمی تخصصی با حضور اساتید، خبرگان، مدیران و صاحب نظران هر حوزه برگزار خواهد شد؛ نشست حاضر به عنوان چهارمین پیش نشست در محور «اصلاح ساختار نظام مالی» محسوب می‌شود. این نشست در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه، با حضور کارشناسان، مدیران و صاحب نظران بانکی در سالن توسعه وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار خواهد شد. در این جلسه دکتر حسن سبحانی، به ارائه دیدگاه‌های خود به شرح زیر خواهند پرداخت:

چکیده

حسن سبحانی - ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

هر چند حذف ربا از معاملات رایج در بین مسلمانان، همواره در بین آنان مطرح و مورد علاقه هم بوده است؛ لیکن کمتر اتفاق افتاده است که به این مقوله در قالب یک سیستم مالی، که پیچیدگی‌هایی فراتر از ذهنیت‌های متمایل به حذف ربا و الزاماتی گسترده‌تر از اقتصادهای معیشتی بشر دارد پرداخته شده باشد. این پدیده در اجتماعات گسترده شده قرون معاصر و در اقتصادهای مبتنی بر مبادله از طریق پول و هم چنین



خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید خالد اسلامبولی،
کوچه سوم، پلاک ۹، پژوهشکده امور اقتصادی

۰۲۱-۸۸۱۰۰۳۶۳

info@earc.ac.ir

بررسی نسبت بین نظام بانکی ایران با نظام مالی بدون بهره

حالی که متأثر از غفلت از فهم پول، نظام بانکی جمهوری اسلامی نه تنها هیچ قرابتی با نظام مالی بدون بهره ندارد که حتی لحظه‌ای دایره مدار اجرای همان مقررات ناقص و کلیشه‌ای قانون‌گذاران در تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب شهریورماه ۱۳۶۲ نبوده است و هیچ نسبتی با آن دو ندارد.

فعالیت‌های پولی مبتنی بر بدهی، بدهی‌های از جنس معوقات، سود بانکی، بی‌رونقی بازار سرمایه، اعمال سیاست پولی و ... از جمله مشخص‌کننده‌های فقدان این نسبت است که مذکور افتاد.

مطالب فوق، الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و پژوهشکده امور اقتصادی نیست.

رونق بازارهایی موسوم به "مالی" و مطرح شدن مباحثی در خصوص "بهره" و تلاش‌هایی برای متمایز کردن همه انواع آن از "ربا"، زمینه‌ساز و بستر این باور شده است که نه "بهره" امروزین "ربا" دیروز است و نه تصور نظام مالی بدون بهره به دلیل حرمت آن، امری عقلایی و معطوف به شناخت درست از پدیده‌های اقتصادی قرون معاصر است.

آنچه در این ارتباط قابل‌اعتنا می‌باشد آن است که "پول" رایج به‌عنوان موضوع فعالیت‌های مالی و یا پولی خود پدیده‌ای ناشناخته و در عین حال مقوله‌ای مفروض گرفته شده است که شیوه مواجهه فعلی با شرایط آن، به نحوی اجتناب‌ناپذیر به پذیرش پیامدهای پولی و مالی معطوف به پول می‌انجامد و موضوعاتی همچون حرمت ربا و لزوم عملیاتی‌شدن آن در مناسبات مالی قائلین به خود را، تا اندازه‌های بسیاری از بایستگی‌های منطقی خود خارج می‌سازد و ساخته است. به نظر ما همین نکته رمز و راز اصلی شکست تلاش‌های حذف ربا یا بهره قراردادی از مناسبات پولی و مالی دوران معاصر است.

براین اساس در جمهوری اسلامی ایران هم نظامی بانکی شکل گرفته است که متأثر از سکوت در دهه‌های اولیه و تغافل در دهه‌های بعدی در خصوص "پول"، به‌مثابه یک سونامی ویرانگر ارکان اقتصاد ایران و بنیان خانوارهای ایرانی را متلاشی نموده در عین حال موفق شده است بر بستری از جهل "روش‌شناسی" و بی‌حوصلگی "معرفت‌شناختی"، از هستی خویش دفاع و حتی ضرورت حضور خود را از توجیحات علمی برخوردار کرده و به حیات خویش ادامه دهد. در